

# حزب همبستگی افغانستان

## یکی از فعالان وفادار به مردمش را از دست داد



"حزب همبستگی افغانستان"، با درد فراوان خبر درگذشت عبدالرحمان "پیروز" (مشهور به توکل خان) مسئول بخش ولایت فراه حزب را به آگاهی اعضا و هوادارانش می‌رساند. وفات نابهنگام عبدالرحمان تمامی دوستدارانش را در سوگ عمیقی فرو برد. با خاموشی او وطن ما یکی از وطنپرستان ثابت‌قدم خود را از دست داد و مردم ما از معلمی توانا و عاشق آزادی محروم گشتند.

عبدالرحمان در سال ۱۳۳۲ در خانواده‌ی زحمتکش و فقیر ولایت فراه زاده شد. در سال ۱۳۵۱ از لیسه ابونصر فراهی فارغ و تحصیلات عالی را تا صنف ۱۴ در دارالمعلمین هرات به اتمام رساند. بعد از فراغت در ولسوالی های دوردست قادس ولایت بادغیس، ولسوالی کشک کهنه ولایت هرات، مکتب عبدالصمد نظری ولسوالی اناردره و در ولسوالی پرچمن ولایت فراه به حیث معلم ایفای وظیفه نمود.

او در اواخر دهه چهل هجری شمسی که هنوز متعلمی بیش نبود به

جنبش دموکراتیک ضد مزدوران روس و ضد اخوانی‌های بنیادگرا پیوست و تا آخرین روزهای حیاتش به اندیشه خود وفادار ماند و در سنگر دفاع از مردم و در ضدیت با گروه های مرتجع و نوکر بیگانه دلاورانه رزمید. بعد از روی کار آمدن نوکران روس، عبدالرحمان از اولین روشنفکرانی بود که به صفوف مقاومت پیوست و در مبارزه مسلحانه علیه اشغالگران روسی و مزدوران خلقی و پرچمی شان و افشای ماهیت سیاه و ارتجاعی گروه های تروریست اخوانی نقش بزرگی بازی کرد.

طی بیشتر از سی سال گذشته، چه مزدوران روس و چه مزدوران امریکا و پاکستان و ایران و ... با پول، بورس و مقام توانستند روشنفکران زیادی را به تسلیم و خیانت و میهنفروشی بکشانند، اما عبدالرحمان از تبار روشنفکران ستم‌ستیز و مترقی ای بود که دام و دانه اشغالگران و نوکران شان هرگز نتوانست وجدان بیدارش را آلوده ساخته و او را از سنگر داغ مبارزه برای استقلال، دموکراسی و عدالت اجتماعی به دور سازد.

یکی از خصال برجسته عبدالرحمان، موضع محکم و استوار او در دفاع از منافع توده ها و آمیزش گسست ناپذیرش با آنان بود. وی در ولایات بادغیس، هرات، نیمروز و فراه نه تنها بین روشنفکران منحیث انقلابی پاکباز شناخته شده بود، بلکه بین مردم به مثابه یاور غم و شادی شان خود را تثبیت نموده بود. بعلت همین خصایل برازنده اش بود که منحیث مسئول بخش فراه حزب برگزیده

شد. او با آنکه بیمار بود، لحظه‌ای در پیشبرد امور حزب غفلت نکرد و با تلاش های خستگی ناپذیرش، توانست کتله عظیمی از مردم را در آن ولایات به صفوف حزب جلب نماید.

عبدالرحمان در طول زندگی پر افتخارش، منحصیث آموزگار آگاه و دوست نزدیک و صمیمی شاگردان جوان و نو جوانش بود و بین آنان محبوبیت فراوانی داشت. او هرچند مجبور بود کتب تدوین شده دولت را برای شاگردانش تدریس نماید، اما وقتی محتویات ارتجاعی و مبتذل این کتاب ها را می‌دید با سختکوشی بیمانندی برای تهیه مواد درسی آگاهیبخش و مترقی خود را وقف میکرد و چون صمد بهرنگی، شاگردانش را با شناخت ریشه های سپهروزی ها و مصایب مردم و وطن شان آشنا میساخت. او حتی در دوران حاکمیت قرون وسطایی طالبان نیز در ولایت هرات با قبول خطرات فراوان صنوف مخفی برای تدریس دختران دایر کرده بود.

کسانیکه با عبدالرحمان از نزدیک آشنایی داشتند، آن تبسم همیشگی و طبع شیرین و دلنشینش را همیشه به خاطر خواهند داشت که در بحرانی ترین شرایط نیز روحیه و امیدش را از دست نمی‌داد و با شوخ طبعی لطیفش همه ی آنان را به مبارزه استوار فرامیخواند.

عبدالرحمان با آنکه از بیماری مزمن توبرکلوز و نفس تنگی به شدت رنج می برد، به خاطر عشق آتشینش به جوانان وطن از صبح تا شام و تا آخرین لحظات زندگیش، بلاوقفه به آموزش پرداخت. او برعلاوه تدریس در مکتب ابونصر فراهی و لیسه کوثر، استاد دارالمعلمین ولایت فراه نیز بود. چون معاش ناچیز معلمی کفاف امرار معاش خانواده ۱۲ نفری بشمول مادر مریضش را نمیکرد، به تدریس خانگی عده‌ای از شاگردان هم مشغول بود.

این انسان نستوه و مبارز به روز چهارشنبه، ۱۲ دلو ۱۳۹۰ (اول فبروری ۲۰۱۲) در قریه قلعه زمان مرکز ولایت فراه در فقر و بیماری، بصورت ناگهانی پدرودحیات گفت و دوستان و همزمانش را به سوگ عمیقی نشانده. جمع وسیع و چشمگیری از مردم در مراسم خاک سپاری اش شرکت کردند و یادبود شایسته‌ای از او به عمل آوردند.

هرچند عبدالرحمان ۵۸ سال از عمر پربارش را در ناداری سپری کرد، اما با غرور و سرافراز زیست و با کوهی از آرزو و امید بخاطر رفاه و آسایش توده های رنج دیده‌اش به دل خاک رفت.

"حزب همبستگی افغانستان"، به خانواده، همزمان، دوستداران و بیشمار شاگردانش که بعلت خصال مردمی، صداقت و صمیمیتش در قلب همه شان جا داشت، ابراز تسلیت نموده یاد و راه مبارزه اش را همیشه گرامی خواهد داشت.

## حزب همبستگی افغانستان

۱۲ دلو ۱۳۹۰ (اول فبروری ۲۰۱۲)